



حجت الاسلام علم الهدی، خطاب به مردم:

به صحنه بیاید

گروه سیاست: از حرم امام رضا (ع)، از تریبون نماز جمعه رو به مردمی که گوش سپرده بودند، گفت که به صحنه بیاید! این فراخوان سیداحمد علم الهدی، نماینده ولی فقیه و امام جمعه شهر مشهد، بود. او روز گذشته در خطبه‌های نماز جمعه...

صفحه ۶

شنبه ۱۳ مرداد ۱۳۹۷ • ۲۱ ذی القعدة ۱۴۳۹ • ۴ آگوست ۲۰۱۸



بانک مرکزی اطلاعات توزیع دلار دولتی را در اختیار وزارت اقتصاد قرار داد

رانت‌های رونمایی نشده

صفحه ۴



روزهای پرمشغله ظریف قبل از دور اول تحریم‌های آمریکا

دیپلمات‌ها در جبهه شرقی

صفحه ۱۵



نایب رئیس مجلس در نامه‌ای به فرمانده کل سپاه: سپاه در موضوع مذاکره با آمریکا باید تابع تصمیم مقامات عالی نظام باشد

گروه سیاست: موضوع مذاکره با آمریکا که بعد از اظهارات رئیس‌جمهور این کشور پیش آمد، واکنش‌های مختلفی را در ایران برانگیخت. در این بین نامه فرمانده کل سپاه به دونالد ترامپ توجهات زیادی را معطوف به خود کرد؛ نامه‌ای که حتی ...

صفحه ۲

سال پانزدهم • شماره ۳۲۱۱ • ۱۶ صفحه • ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

شکنجه‌گران کت و شلوارپوش

احمد غلامی . سردبیر



به گفته جان کالهن، آزادی صدقه نیست تا آن را مسرفانه و یکسان و بدون هیچ قیدوشرطی به همه اعطا کرد؛ پاداشی است که فقط به کسانی که شایستگی دارا بودن آن را به ثبوت رسانده‌اند، داده می‌شود. از منظر تاریخی حق با کالهن، سناتور کارولینای جنوبی در سال‌های ۱۸۳۲ تا ۱۸۵۰ میلادی است. انگلستان استقلال آمریکا را به آمریکاییان اعطا نکرد؛ بلکه آنان بعد از جنگ‌های خونین استقلال‌شان را به دست آوردند. آمریکای سفیدپوست هم آزادی و برابری اجتماعی را به‌راحتی به سیاهان نداد و سیاهان در مبارزه‌ای بی‌امان به رهایی رسیدند. آمریکای امروز دو قرن جنگ خونین بین سرمایه‌داری و دموکراسی را پشت سر گذاشته است و این جنگ به نفع سرمایه‌داری و تحدید دموکراسی خاتمه یافته است. چهره‌های تاریخی این نبرد، الکساندر هامیلتن و توماس جفرسن هستند. هامیلتن، رئیس خزانه‌داری و پدر سرمایه‌داری آمریکا و جفرسن هم که وزیر خارجه جرج واشنگتن بود و بعدها رئیس‌جمهور آمریکا شد. مواجهه این دو نفر بی‌اغراق یکی از نقاط عطف برای درک تاریخ آمریکاست. هامیلتن که در فقر و مسکنت زاده شده بود، توریسین واقعی صاحبان سرمایه از آب درآمد و جفرسن که در ثروت و مکتب به دنیا آمد و در مزرعه‌اش در ویرجینیا ۱۵۴ برده داشت، حامی فقرا و محرومان شد. دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات، ماحصل این تضادند. هامیلتن در تاریخ آمریکا نماینده تازه‌به‌دوران‌رسیده‌ها و نوکیسه‌های آمریکایی است که بیش از دیگران انقلاب را تهدید خواهند کرد و درست رویه‌روی طبقه‌ای می‌ایستند که خود از آن برآمده‌اند.

دونالد ترامپ یادآور الکساندر هامیلتن است؛ با این تفاوت که جناح‌های سیاسی آمریکا در طول دو قرن و پشت‌سرگذاشتن دو جنگ جهانی، چنان صیقل خورده‌اند که صرفا در گفتار و کلام می‌توان تفاوت‌شان را بازشناخت. وگرنه در عمل با استراتژی کلان فاصله چندانی بین دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان وجود ندارد. بازترین نمونه این ادعا ریچارد نفیو است. اگرچه او مسئول تیم طراحی تحریم‌ها علیه ایران در دوره دوم اوباما بود، حامی اصلی پشت پرده مذاکره‌کنندگان در امور تحریم‌ها در وین نیز بوده است؛ اما برای ترامپ آرزوی پیروزی علیه ایران را دارد. این گفته لیندون جانسون، معاون جان‌اف کندی مصداق بارز این درهم‌تیدگی جناح‌های آمریکاست: «من خیال می‌کنم که هیچ حزب سیاسی نمی‌تواند خودش را دوست ملت بداند، اگر دوست، محافل مالی و سرمایه‌داری نباشند و هیچ حزب سیاسی نمی‌تواند خودش را دوست محافل مالی و سرمایه‌داری بداند؛ اگر صادقانه دوست ملت نباشد. در جامعه آزاد ما صاحبان سرمایه و مردان سیاست رقبای هم نیستند، درست برعکس، برای موفقیت هریک از آنان و موفقیت حکومت ما و سیستم اقتصادی و اجتماعی ما و برای توفیق درفرد ما، واجب است صاحبان سرمایه و مردان سیاسی دست در دست هم بدهند».

اگر هامیلتن مخالف روی کارآمدن جفرسن است و همه تلاش را می‌کند تا او را از دور ریاست‌جمهوری خارج کند، از این منظر است که نگران است جفرسن قانون طلایی آمریکا را زیر پا بگذارد. قانونی که حکم می‌کند حکومت در دست سرمایه‌داران باشد که کشور در دست آنهاست. اینک پدر سرمایه‌داری آمریکا آسوده در گور خوابیده است، چون دیگر نگران نیست که شب قبل از کشته‌شدنش در دولت، به دوستش نامه‌ای بنویسد که بزرگ‌ترین نگرانی‌اش ازهم‌پاشیدگی کشور به‌ر اثر پیشرفت روزافزون دموکراسی (علیه سرمایه‌داری) است.

ادامه در صفحه ۴

تیتراها

تجمعات اعتراضی در چند شهر کشور

وزیر کشور: دشمن فکر می‌کند با تجمع ۲۰۰ نفر اوضاع کشور به هم می‌خورد

صفحه ۳

مرتضی مبلغ:

اعتراضات به معنای عبور از اصلاح طلبی نیست

صفحه ۶

هفته تحریم رسید

صفحه ۱۵

چه کسی نگذاشت کی‌روش به الجزایر برود؟

صفحه ۱۴

دستگیری ۴ نفر از اعضای شورای شهر پرند و یک کارمند شهرداری

شورای شهر پرند در آستانه انحلال

صفحه ۱۳

حرف اول

استیضاح نه؛ قوانین را اصلاح کنید

محمد قاضلی

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی



علی ربیعی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اواخر اسفند ۹۶ استیضاح شد و رای اعتماد گرفت. کمتر از پنج ماه از آن استیضاح گذشته و علی ربیعی دوباره در معرض استیضاح قرار گرفته است؛ چرا این‌گونه است؟ چرا این استیضاح شک و شبهه‌هایی در پی داشته است؟

اول، سوالات استیضاح را که نگاه کنید، می‌بینید که همان سوالات‌هایی تکرار شده که ربیعی یک بار برای آنها استیضاح شده و رای اعتماد گرفته است. آیا این چهار ماه، آن هم در شرایط ملتهب اقتصادی و اجتماعی ماه‌های اخیر، برای حل همان مسائلی که یک بار مطرح شده‌اند و وزیر رای اعتماد هم گرفته کافی است؟

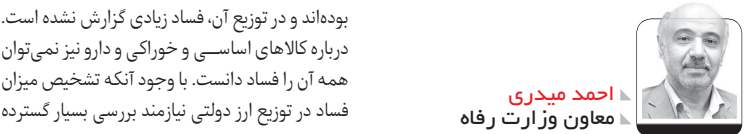
دوم، وزارتخانه علی ربیعی متولی دبیرخانه شورای عالی اشتغال است و نه ایجادکننده اشتغال. اشتغال در بخش‌های دیگر برنامه‌ریزی و زمینه‌سازی می‌شود. اشتغال به‌شدت متأثر از سیاست‌های اقتصاد کلان است که ربیعی وزیر تأثیرگذار بر آنها نیست. آیا افزایش نرخ بی‌کاری در کشور تحت‌تأثیر سیاست‌های اقتصاد کلان است یا از سیاست‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که عمدتا معطوف به سیاست‌های حمایت اجتماعی است، ناشی می‌شود؟

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌تواند از طریق «سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای» نقش مهمی در توسعه مهارت‌های اشتغال ایفا کند؛ اما خوب است نمایندگان مجلس دقت کنند که آیا خودشان به همان اندازه که همه‌گونه چشم به شستا و شرکت‌های آن داشته‌اند، به توانمندسازی سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای حداقل از طریق اعتبارات توجه کرده‌اند؟

سوم، سؤال درباره محقق نشدن سهم ۲۵ درصدی بخش تعاون از اقتصاد ایران همواره برای استیضاح و سؤال از ربیعی مطرح شده است. آیا سهم بخش خصوصی واقعی از اقتصاد ایران ۲۵ درصد است که سهم تعاون ۲۵ درصد بشود؟ آیا یک کشور در دنیا وجود دارد که سهم بخش تعاون در آن ۲۵ درصد باشد؟

چهارم، اوضاع معیشتی و رفاهی بازنشستگان بر اثر سیاست‌های اقتصاد کلان و بالادستی تورم تضعیف می‌شود یا بر اثر اقدامات صندوق‌های بازنستگی تحت نظر علی ربیعی که به دلیل سیاست‌های گذشته مجلس‌های متوالی وضعیت اقتصادی دشواری پیدا کرده‌اند؟

ادامه در صفحه ۲



احمد مدیری
معاون وزارت رفاه

فساد آشکار در تخصیص ارز دولتی موجب تأسف هم مردم و دلسوزان کشور شده است. اخباری که در این زمینه منتشر می‌شود، بنا بر هدررفت گسترده منابع عمومی است. نکته مثبت و امیدوارکننده در این زمینه، آزادی بیان در نقد این فساد است؛ نقد این فساد می‌تواند به تغییر فرایندها و سیاست‌های دولت منجر شود. فقط در این صورت است که انتشار اخبار فساد مثبت خواهد بود و در غیر این صورت، بدون اصلاح سیاست‌ها و رویه‌های تخصیص ارز، انتشار این قبیل اخبار به عادی‌سازی فساد در کشور و فراسایش دائمی سرمایه اجتماعی می‌انجامد.

گفته می‌شود حداقل ۱۳ میلیارد دلار و حداکثر ۲۰ میلیارد دلار ارز دولتی بین متقاضیان توزیع شده است. حداکثر پنج میلیارد دلار از این مبلغ به تأمین مواد خوراکی، نهاده‌های کشاورزی و دارو اختصاص یافته است. در مجموع، تفاوت ارزش ریالی دلار دولتی با دلار بازار آزاد ۵۲ تا ۸۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود؛ یعنی اگر ۱۳ میلیارد دلار را در چهار هزار تومان (تفاوت ارزش دلار دولتی با آزاد) ضرب کنیم، به ۵۲ هزار میلیارد و اگر ۲۰ میلیارد دلار اختصاص یافته باشد، ۸۰ هزار میلیارد تومان دریافت‌کنندگان ارز دولتی سود برده‌اند. البته همه این مبلغ با فساد همراه نبوده است؛ برای مثال ارز داده‌شده به گردشگران هرچند سیاستی کاملا غلط است، دریافت‌کنندگان آن مسافران

بدهاند و در توزیع آن، فساد زیادی گزارش نشده است. درباره کالاهای اساسی و خوراکی و دارو نیز نمی‌توان همه آن را فساد دانست. با وجود آنکه تشخیص میزان فساد در توزیع ارز دولتی نیازمند بررسی بسیار گسترده است و به‌راحتی اثبات‌پذیر نیست، اما براساس تجارب داخلی و جهانی نمی‌توان سیاست ارز دو نرخی را به این شکل گسترده ادامه داد و باید هرچه سریع‌تر شیوه تخصیص ارز تغییر یابد. کارشناسان اقتصادی تقریبا متفق‌القول‌اند که باید ارز دولتی به تأمین نیازهای اساسی مانند مواد خوراکی محدود شود و مصارف ارز دولتی به حداقل ممکن کاهش یابد. تجربه سال‌های ۹۰ تا ۹۲ نشان می‌دهد که نظام‌های کنترلی ما قادر به مهار این رانت نیستند؛ برای مثال در آن مقطع کالاهای مشمول ارز دولتی به ۱۰ گروه تقسیم شد. گروه یک بیشترین اولویت (کالاهای اساسی و مواد اولیه) و گروه ۱۰ کمترین اولویت را داشتند. در نمودار زیر متوسط و حداقل ارز دریافتی در ۱۰ گروه را مشاهده می‌کنید. در کمال تعجب ارز دریافتی با اولویت‌بندی کالاهای اساسی انطباق ندارد. متوسط نرخ ارز برای کالای گروه یک دوهزار ۴۸۰ تومان و برای گروه‌های هفت و هشت حدود دوهزار و ۴۶۰ تومان بود. نمودار زیر نشان می‌دهد اساسا تفاوت زیادی میان ۱۰ گروه نبوده است.

ارزش متوسط نرخ ارز دولتی برای ۱۰ گروه کالایی در سال‌های ۱۳۹۰-۱۳۹۲

این بخشی از فساد در توزیع ارز دولتی است که می‌توان آن را کمی کرد. در آن سال‌ها نیز اخبار گوناگونی درباره فساد ارز دولتی منتشر شد. اساسا نه در تحریم سال‌های ۹۰ تا ۹۲ و نه امروز سازوکار لازم برای جلوگیری از فساد اجرا نشده است.

حداقل پنج مجرای بزرگ فساد شناخته شده است که موجب انحراف اساسی در تأمین مایحتاج مردم می‌شود: دریافت ارز دولتی از سوی اشخاص معجول؛ فرد می‌تواند با سندسازی و به نام اشخاصی که اساسا در آن فعالیت حضور ندارند، ارز دولتی دریافت کند. در سه ماه گذشته، اخبار زیادی در این زمینه منتشر شده است که شرکت‌های تازه‌تأسیس یا شرکت‌هایی که اساسا در یک فعالیت نبوده‌اند، برای واردات ارز دولتی گرفته‌اند. برای جلوگیری از این تخلف باید سامانه بانک مرکزی به سامانه ثبت شرکت‌ها متصل شود و سوابق هر شرکت نیز در یک پرونده قابل رصد باشد. هرچند براساس تجارب سال‌های ۹۰ تا ۹۲ دولت اخیرا اقداماتی را انجام داده است، هنوز به‌علت نداشتن یکپارچگی در سامانه‌های اطلاعاتی احتمال آن به‌طور کامل منتفی نیست.

دریافت ارز و کم‌اظهاری در گمرک؛ یکی از فسادهای رایج کم‌اظهاری در گمرک است؛ چنان‌که واردکننده به ارزش یک میلیون دلار کالا وارد می‌کند، اما کالای خود را دومیلیون دلار اظهار می‌کند تا مابقی ارز را در بازار آزاد بفروشد. واردکننده انگیزه بسیار بالایی برای کم‌اظهاری دارد؛ می‌تواند کالای خود را در کشور همسایه بفروشد یا از را در بازار آزاد عرضه کند. زمانی می‌توان از این فساد جلوگیری کرد که به‌طور دقیق مشخص شود کالای واردشده پس از خروج از گمرک تا مرحله نهایی مصرف به چه کسانی فروخته شده است؛ به عبارت دیگر، اگر در ایران مانند برخی از کشورها کلیه معاملات ثبت الکترونیکی می‌شد، امکان این نوع فساد منتفی یا بسیار اندک بود.

ادامه در صفحه ۶

ورود کالاها و عرضه آن در بازار آزاد؛ واردکننده کالا کم‌اظهاری نمی‌کند و آن را به‌طور کامل وارد کشور می‌کند. اما کالا در بازار به قیمت غیردولتی فروخته می‌شود. واردات موبایل‌ک‌ه واردکنندگان آن را با ارز دولتی وارد کردند و به قیمت بازار آزاد فروختند، نمونه‌ای از این نوع فساد است. همچنین امکان دارد کالا وارد کشور شود و مجدداً صادر شود. در این مدت کوتاه (سه ماه گذشته) نمونه‌هایی از این فساد دیده شده است که کالا با ارز دولتی وارد شده اما مجدداً از کشور صادر تا در کشور همسایه به قیمت بالاتر فروخته شود. نکته مهم این است که دودرخی‌بودن ارز به‌زودی به دودرخی‌شدن قیمت کالاهایی منجر می‌شود که ارز دولتی دریافت می‌کنند. دریافت‌کنندگان ارز دولتی انگیزه بسیاری هرچند نامشروع برای عرضه کالاهای خود در بازار آزاد خواهند داشت و دودرخی‌بودن بازار ارز به بسیاری از کالاهای سرایت می‌کند.

سوءاستفاده تولیدکننده از ارز دولتی؛ امکان دارد واردکننده دست به هیچ فسادى نزند و کالای وارداتی را به‌طور کامل در اختیار تولیدکننده قرار دهد اما تولیدکننده کالای خود را به قیمت آزاد بفروشد. مثلا فرض کنید واردکننده کتجاله با سویا، کالای خود را با ارز دولتی وارد می‌کند و در اختیار مرغداری‌ها قرار می‌دهد اما دریافت‌کننده این نهاده که تولیدکننده خوراک مرغ یا تولیدکننده مرغ است، محصول خود را به قیمت آزاد می‌فروشد. بنابراین در این حالت هیچ‌گونه فسادى در تخصیص ارز دولتی در ابتدای زنجیره محصول وجود ندارد اما در انتها یا میانه زنجیره محصول یک تولیدکننده سوءاستفاده می‌کند و کالای خود را به قیمت ارز آزاد در بازار به فروش می‌رساند.

همراهان امروز روزنامه شرق

رجوع به صفحه ۱۱

رجوع به صفحه ۳

مُجمَع فولاد مبارکه



بانک ملت

رجوع به صفحه ۵



سازمان آگهی‌ها

۸۸۷۹۲۸۷۷-۸۸۷۹۲۴۳۴

ضمیمه رایگان امروز روزنامه شرق

ویژه استان البرز

از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR